

بررسی نقش منطقه آزاد تجاری - صنعتی ارس در ایجاد همگرایی تجاری با کشورهای حوزه CIS^۱، چین و ترکیه^۲

احمد اسدزاده*

استادیار دانشکده اقتصاد، مدیریت و بازرگانی دانشگاه تبریز، assadzadeh@gmail.com

فاطمه عبدالله زاده نوبریان

کارشناسی ارشد اقتصاد، nnobarian@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۰/۲۳ تاریخ پذیرش: ۹۲/۲/۲۶

چکیده

یکی از مهمترین عوامل رشد و توسعه تجارت کشورها توجه به مبادلات منطقه‌ای از طریق توسعه همگرایی تجاری می‌باشد. در این میان منطقه آزاد تجاری- صنعتی ارس می‌تواند موجبات رشد و توسعه پیوسته در عرصه‌های صادرات، اشتغال‌زایی و ارزآوری به کشور را فراهم آورد. در این مطالعه از طریق برآورد پتانسیل تجاری با کشورهای حوزه CIS، چین و ترکیه و همچنین درجه اکمال تجاری، به بررسی نقش و جایگاه منطقه آزاد ارس در گسترش مبادلات تجاری پرداخته می‌شود. نتایج برآورد حاکی از وجود پتانسیل صادراتی و وارداتی بسیار مناسب با کشورهای منتخب می‌باشد. برآورد درجه اکمال تجاری نیز نشان می‌دهد که کشورهای گرجستان، آذربایجان و قزاقستان دارای بالاترین درجه اکمال صادرات منطقه و کشورهای چین، ترکیه و بلاروس دارای بالاترین درجه اکمال واردات از منطقه می‌باشند. بررسی پتانسیل تجاری با تجارت صورت گرفته در مورد اکثر کشورهای هدف، امکان توسعه مبادلات را تا حدود 10 برابر نشان می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: منطقه آزاد تجاری ارس، همگرایی منطقه‌ای، پتانسیل تجاری، کشورهای

حوزه CIS

طبقه‌بندی JEL: F13، F15.

¹ Commonwealth of Independent States

^۲ مقاله حاضر برگرفته از طرحی تحت همین عنوان می‌باشد. بدین وسیله از منطقه آزاد تجاری ارس که این تحقیق را پشتیبانی مالی نموده است، تقدیر و تشکر به عمل می‌آید.

* نویسنده مسئول

1- مقدمه

با توجه به شرایط نوظهور جهانی شدن¹ و از بین رفتن مرزهای تجاری کشورها، امروزه توسعه تجارت و مبادلات بین‌المللی و همچنین توجه به همگرایی تجاری و منطقه‌ای بسیار حائز اهمیت می‌باشد. همگرایی تجاری و منطقه‌ای، تحت تأثیر میزان وابستگی اقتصادی کشورها، از به هم پیوستن مجموعه‌ای از کشورهای مختلف با ویژگی‌ها و مشخصات مشترک یا قرابت منطقه‌ای حاصل می‌شود که ضمن همکاری متقابل اقتصادی و تجاری با یکدیگر، آزادسازی مبادلات تجاری را تجربه می‌نمایند. به طوری که این کشورها در زمینه-های گوناگون از قبیل تجارت، سرمایه‌گذاری، تولید بین‌المللی، دسترسی به بازارهای مصرف بزرگتر و دسترسی به پتانسیل تجاری بالا در سطح منطقه‌ای و جهانی مشارکت می‌نمایند. در این میان مناطق آزاد تجاری به عنوان تسهیل کننده امر تجارت در همگرایی اقتصادی نقش حائز اهمیتی داشته و به عنوان یکی از پایه‌های اقتصادی در افزایش صادرات و جذب سرمایه‌گذاری خارجی سهم بزرگی از اقتصاد کشورهای پیشرفته را تشکیل می‌دهند. منطقه آزاد تجاری- صنعتی ارس به دلیل نزدیکی با کشورهای مشترک‌المنافع یا کشورهای حوزه CIS^۲ و همچنین نزدیکی با کشور ترکیه می‌تواند به عنوان یکی از مهمترین مناطق آزاد تجاری- صنعتی کشور، نقش بسیار کلیدی در همگرایی تجاری و منطقه‌ای ذکر شده و برقراری ترتیبات تجاری مؤثر در منطقه ایفا نماید.

با توجه به ضرورت گسترش همگرایی تجاری از طریق برقراری روابط تجاری منطقه‌ای، و جایگاه ویژه کشورهای حوزه CIS و همچنین کشورهای چین و ترکیه در توسعه صادرات ایران، بررسی تجارت با این کشورها و شناسایی بازارهای آنها بسیار ضروری می‌نماید. از طرفی، متنوع نمودن درآمدهای صادراتی و کاهش وابستگی به درآمدهای حاصل از صادرات نفت از جمله دغدغه‌هایی است که همواره در برنامه‌های توسعه کشور مدنظر بوده و بر مبنای آن اهداف و سیاست‌های راهبردی تعیین شده است و به رغم توفیقات حاصل شده در گسترش صادرات غیر نفتی، همچنان وابستگی به درآمدهای نفتی در کشور مشاهده می‌شود. بنابراین از جمله اقدامات لازم و ضروری به منظور گسترش صادرات غیرنفتی توجه

¹ Globalization

^۲ 10 کشور از مجموعه جمهوری‌های اتحاد جماهیر شوروی سابق که در سال 1991 پس از فروپاشی آن به استقلال رسیده‌اند. بر اساس اعلام unescap، این کشورها عبارتند از: آذربایجان، ارمنستان، ازبکستان، بلاروس، تاجیکستان، ترکمنستان، روسیه، قرقیزستان، قزاقستان و مولداوی.

بیشتر به همگرایی تجاری از طریق تجارت منطقه‌ای، امضای موافقتنامه‌ها و توسعه ترتیبات تجاری منطقه‌ای می‌باشد.

نگاهی اجمالی به عملکرد مناطق آزاد در سال 1389 نشان می‌دهد، این مناطق عملکرد مناسبی در امر تجارت بین‌المللی نداشته‌اند^۱؛ لذا با توجه به جایگاه بالای مناطق آزاد تجاری در رشد اقتصادی و بهبود شاخص‌های اقتصادی کلان و در نهایت توسعه کشور، در این مطالعه به بررسی نقش و جایگاه منطقه آزاد تجاری- صنعتی ارس در گسترش مبادلات تجاری کشور پرداخته می‌شود. برای این منظور پتانسیل صادراتی و وارداتی منطقه به تفکیک هر یک از کشورهای حوزه CIS، چین و ترکیه مورد بررسی قرار گرفته و همچنین صنایع و حوزه‌های اقتصادی مختلف، به ترتیب اهمیت از لحاظ نقش‌آفرینی در گسترش مبادلات تجاری منطقه با کشورهای حوزه CIS، چین و ترکیه استخراج شده و در نهایت فهرستی از کالاهای دارای ظرفیت صادراتی استفاده نشده بیان می‌شود.

مطالعه حاضر در 8 بخش تنظیم شده است. پس از بیان مقدمه، ابتدا به مروری بر مبانی نظری موضوع مورد مطالعه در قالب مباحث مربوط به تجارت آزاد، همگرایی تجاری و پتانسیل مناطق آزاد تجاری-صنعتی پرداخته می‌شود. در بخش سوم مهمترین مطالعات پیشین انجام شده داخلی و خارجی مربوط به موضوع تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بخش چهارم روش انجام تحقیق در قالب برآورد پتانسیل تجاری و اكمال تجاری بیان می‌شود. سپس اطلاعات کلی در مورد روابط تجاری کشورهای مورد بررسی، همچنین وضعیت و جایگاه تجاری منطقه ارس تشریح می‌گردد. در بخش هفتم از مطالعه به تجزیه و تحلیل یافته‌ها پرداخته و در نهایت جمع‌بندی مباحث ارائه می‌گردد.

2- مبانی نظری

در این بخش به بررسی مبانی نظری موضوع مورد مطالعه پرداخته می‌شود. برای این منظور در بخش اول مبانی نظری، مروری بر مبانی مرتبط با بحث تجارت آزاد صورت گرفته و سپس در بخش دوم همگرایی تجاری منطقه‌ای و همچنین نظریات ارائه شده در مورد همگرایی مطرح می‌شود. در نهایت در بخش سوم، مباحث مربوط به مناطق آزاد تجاری- صنعتی تبیین می‌گردد.

2-1- تجارت آزاد

^۱ بر اساس آمار گمرک جمهوری اسلامی ایران، در طی سال 1389 میزان ارزش کل واردات کشور تقریباً 64 میلیارد دلار بوده است؛ در حالی که تنها حدود 7/5 میلیارد دلار آن از طریق مناطق آزاد صورت گرفته است.

اقتصاددانان کلاسیک و نئوکلاسیک، تجارت خارجی را عامل ایجاد رقابت، نوآوری، بالا بردن کیفیت کالا و تحرک اقتصادی می‌دانند. به عقیده آنان باید از تجارت خارجی به عنوان موتور محرکه رشد و توسعه اقتصادی در کشورهای مختلف و به خصوص کشورهای در حال توسعه استفاده نمود.

در این میان، جان استوارت میل^۱ اثرات تجارت را به "اثر مستقیم" و "اثر غیر مستقیم" تقسیم نمود. به عقیده وی تجارت بین‌الملل به کارایی بیشتر عوامل تولید در سطح بین‌المللی منجر می‌گردد که میل آن را مزیت اقتصادی مستقیم تجارت خارجی می‌دانست. از دید او یکی از مهم‌ترین اثرات غیر مستقیم تجارت این است که تجارت بین‌الملل با بسط و گسترش بازار کالا و خدمات منجر به ارتقاء سطح فرآیند تولید می‌شود. در این میان، عده‌ای از اقتصاددانان مانند فردریک لیست و هانس ولفگانگ^۲، از مخالفین تجارت آزاد می‌باشند. فریدریک لیست معتقد است که آزادی تجارت در جهان فکر ایده‌آلی است که تنها در آینده دور قابل دسترس است. به نظر او، هر کشور باید با وضع تعرفه گمرکی و حتی ممنوعیت ورود کالاهای خارجی، به تقویت بنیان‌های تولیدی خود بپردازد. هانس ولفگانگ سینگر نیز معتقد است که سیاست تجارت آزاد برای کشورهای در حال توسعه فقط در صورتی مناسب است که شرایط بین‌المللی برای آن مساعد باشد؛ در غیر این صورت به زیان این کشورها تمام خواهد شد.

براساس نظریات سیاست‌های باز تجاری مانند نظرات رومر (1996) و لوکاس^۳ (1998)، سیاست‌های باز تجاری می‌تواند نتایجی نظیر دسترسی به پیشرفت‌های فنی شرکای تجاری، سرریز فنی و انتقال بین‌المللی دانش به عنوان عامل رشد اقتصادی، دسترسی به بازارهای بزرگتر و افزایش رقابت‌مندی در بازارهای جهانی را در پی داشته باشد (رازینی و باستانی، 1383).

علی‌پور و قدکچی (1390) در مطالعه خویش، با توجه به تئوری‌های مختلف، به سه نوع استراتژی در راستای توسعه تجارت در کشورهای مختلف اشاره می‌نمایند:

الف) استراتژی توسعه صادرات

¹ John Stuart Mill

² Friedrich List & Wolfgang

³ Romer (1986) and Lucas (1998).

یکی از ابزارهای سیاست توسعه صادرات، تشویق صادرات توسط پرداخت یارانه به صادر کنندگان یا قائل شدن تخفیف‌های مالیاتی در بخش صادرات است. از ابزارهای دیگر، ایجاد مناطق آزاد تجاری، اتحادیه گمرکی، بازار مشترک و اتحادیه اقتصادی است. ابزار دیگر، کاهش ارزش پول است. این درحالی است که از نظر اصول اقتصاد کلان، استفاده از این سیاست بدون توجه به اثر آن بر موازنه پرداخت‌ها و سایر تأثیرات منفی مانند تورم اشتباه است. همچنین باید توجه داشت این سیاست منجر به گرانی واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای که خود در فرآیند تولید نقش دارند، خواهد شد.

ب) استراتژی جایگزینی واردات

تحت این استراتژی، کشور با استفاده از انواع حمایت‌ها و محدودیت‌های تعرفه‌ای و غیر آن، واردات را محدود می‌نماید تا افزایش توان تولید داخلی کالای مشابه خارجی را بنا نهد. از علل اتخاذ این استراتژی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: تخریب رابطه مبادله در کشورهای در حال توسعه، حمایت از صنایع نوزاد و تعادل در تراز پرداخت‌ها.

پ) استراتژی جایگزینی صادرات

در این عرصه دو دیدگاه قابل بررسی است: یکی، توسعه صادرات کالاهای ابتدایی و مواد اولیه و دیگری، توسعه صادرات کالاهای صنعتی کاربر. در استراتژی جایگزینی صادرات، صادرات کالاهای صنعتی کاربر، جانشین صادرات کالاهای ابتدایی و مواد اولیه می‌شوند اما در استراتژی توسعه صادرات، تشویق صادرات شامل کالاهای ابتدایی، مواد اولیه کشاورزی و معدنی می‌شود.

2-2- همگرایی تجاری منطقه‌ای

مسأله جهانی شدن به فرآیندی اشاره دارد که طی آن مرزها رفته رفته ناپدید می‌شوند و همزمان مبادلات بین‌المللی افزایش می‌یابد. در طی این فرآیند ضمن بین‌المللی شدن بازار جهانی، محیطی کاملاً رقابتی ایجاد می‌گردد که در آن تنها واحدهای اقتصادی بزرگ، توانمند و کارآمد امکان ادامه فعالیت خواهند داشت. از این رو دولت‌ها، به همگرایی تجاری - منطقه‌ای یا منطقه‌گرایی و تشکیل ترتیبات منطقه‌ای روی آورده‌اند تا از این طریق از یک سو اقتصاد خود را در مقابل مشکلات ناشی از جهانی شدن حفظ کرده و از سوی دیگر ارتقای سرمایه‌گذاری و رشد و توسعه اقتصادی را در درون منطقه میسر سازند.

بنابراین یکی از ویژگی‌های جهانی شدن، یکپارچگی تجارت جهانی در قالب سازمان‌های بین‌المللی و همگرایی منطقه‌ای و حرکت کشورها در جهت رفع موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه-

ای بوده است، از طرف دیگر پیشرفت تکنولوژی امکان تقسیم‌بندی فرآیندهای تولید را به مراحل مختلف و در مکان‌های گوناگون، بدون آسیب دیدن کارایی و سودآوری فراهم نموده است. بدین ترتیب، رشد فرآیند تجاری و تولید شرایطی را فراهم کرده است تا کشورهای مختلف بتوانند به داده‌های مهم تکنولوژی دسترسی پیدا نموده و از سرریزهای تکنولوژی کشورهای توسعه یافته صنعتی استفاده نمایند. به تجربه مشاهده می‌شود که کشورهای توسعه یافته تمایل بسیاری به تجارت با کشورهای توسعه نیافته دارند. این کشورها با توجه به قوانین و مقرراتی که بر سر راه کشورهای توسعه نیافته قرار می‌دهند، منجر به کاهش صادرات آنها می‌شوند. بنابراین به نظر می‌رسد ایجاد همگرایی‌های اقتصادی- منطقه‌ای بتوانند به توسعه و کاهش موانع موجود در کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته کمک بسیاری نماید.

در این حالت، منابع اقتصادی این کشورها یک کاسه شده و یک سیستم اقتصادی بزرگتر حاصل می‌شود. گسترش اندازه بازار و تفاوت در الگوی هزینه‌ها که در نظریات مزیت نسبی مطرح است، باعث تقسیم کار و تخصیص مجدد منابع شده و منجر به انتقال منابع از فعالیت‌های غیرکارا به فعالیت‌های کارا شده و در نهایت افزایش اشتغال، رشد تولید ملی و سایر متغیرهای کلان اقتصادی را برای کشور به همراه خواهد آورد.

لازم به ذکر است که تئوری همگرایی اقتصادی به بررسی سیاست‌های تجاری تبعیضی و همکاری‌های اقتصادی که مبتنی بر کاهش و حذف محدودیت‌های تجاری میان کشورهاست، می‌پردازد. کشورهایی که از منافع اقتصادی مشترک و پیوندهای سیاسی برخوردارند، با ایجاد همگرایی، در واقع تجارت آزاد را با سیاست‌های حمایتی ادغام می‌کنند. ضمن آنکه محدودیت‌های تجاری میان خود را به حداقل ممکن کاهش داده و کشورهای غیر عضو را با سیاست‌های تبعیضی و حمایتی رو به رو می‌سازند.

تئوری‌های سنتی در بحث همگرایی منطقه‌ای عمدتاً بر سه موضوع ایجاد تجارت، انحراف تجارت و رابطه مبادله (قیمت) در خصوص کالاهای اولیه متمرکز است. این تئوری‌ها صرفاً در خصوص تحلیل موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای به کار می‌رود که موانع تعرفه‌ای کالاهای اولیه را حذف کرده یا کاهش می‌دهند. این نوع همگرایی منطقه‌ای موسوم به همگرایی منطقه‌ای سنتی یا یکپارچگی سطحی است. در مقابل، تئوری‌های همگرایی منطقه‌ای جدید، صرفاً به مکانیزم‌های تخصیص عوامل تولید (کاهش یا حذف بخشی از تعرفه‌های کالاهای اولیه) نمی‌پردازند، بلکه به ارتباط بین تجارت و بهره‌وری (تئوری‌های

جدید رشد)، رقابت ناقص و رفتار رانت‌جویانه و همچنین دیگر موضوعات همگرایی منطقه-ای می‌پردازند.

یکپارچگی اقتصادی طی پنج مرحله اصلی گسترش می‌یابد که کاهش موانع تعرفه‌ای، اولین مرحله آن می‌باشد. یک طرح یکپارچگی در نهایت ممکن است تا آن جا پیش رود که کشورهای عضو سیاست‌های اقتصادی مشترکی را اتخاذ نمایند. موافقت‌نامه تجاری ترجیحی، منطقه تجارت آزاد، اتحادیه گمرکی، بازار مشترک و اتحادیه اقتصادی مراحل مختلف یکپارچگی اقتصادی محسوب می‌شوند (عابدین مقانکی و همکاران، 1384).

در واقع، در تبیین علت‌ها و عوامل توسعه همکاری در میان کشورها، نظریه‌های مختلفی ارائه شده است. یکی از نظریه‌هایی که به این موضوع می‌پردازد، نظریه همگرایی منطقه‌ای است. همگرایی از مهمترین سازوکارها و برنامه‌ریزی بین کشورهای یک منطقه جهت استفاده از ظرفیت‌ها و منابع جهانی و منطقه‌ای در عرصه‌های بین‌المللی است (لامباردن و لانگنهاف¹، 2005).

روند همگرایی در ابتدایی ترین شکل خود از یک نقطه آغاز می‌شود و در ادامه این روند تکاملی به مرحله اساسی‌تر به نام "خیز" رسیده و پس از آن به کامل‌ترین شکل خود یعنی "تسری" و "گسترش" می‌رسد. لازمه رسیدن به این مرحله، گسترش همکاری‌های متنوع اقتصادی، فنی، سیاسی، فرهنگی، امنیتی و ارتباط‌های گسترده و همه جانبه واحدهای سیاسی یک منطقه است.

در این راستا یکی از مهم‌ترین نظریه‌های همگرایی، نظریه کانتوری و اشپیگل² است. ایشان با مطرح کردن سه سطح تحلیل نظام بین‌المللی، منطقه‌ای و نظام داخلی، منطقه را در واقع حلقه میانه دو سطح دیگر دانسته و آن را واحد تحلیل مستقل که دارای پویایی داخلی است، دانسته‌اند. آن دو با توجه به چهار متغیر اصلی (سطح و میزان انسجام، ماهیت ارتباط‌ها، سطح قدرت و ساختار روابط)، منطقه همگرا شده را به سه بخش اساسی تقسیم کردند: نخست، بخش مرکزی از کشورهای تشکیل می‌شود که دارای زمینه‌های سیاسی و اجتماعی مشترک بوده و یا به زمینه‌های سازمانی و فعالیت‌های مشترک دست می‌یابند و از نوعی انسجام و تجانس اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و سازمانی برخوردار هستند که در این مورد متغیرهای گوناگونی مانند میزان ارتباط‌های درون منطقه‌ای و نوع روابط در تقویت یا تضعیف همانندی‌ها مؤثر است.

¹ Lombaerde and Van .Langenhov

² Cantori & Spiegel

دوم، بخش کشورهای پیرامونی (حاشیه‌ای) است که از انسجام کمتر، ارتباط‌های کمتر، سطوح قدرت به نسبت متناسب و روابط ناپایدارتری برخوردار هستند و معمولاً جهت‌گیری آنان به سمت خارج از منطقه توجه دارد. البته این کشورها می‌توانند در آینده به بخش مرکزی بپیوندند.

سوم، بخش مداخله‌گر که خارج از منطقه و مربوط به قدرت‌های فرامنطقه‌ای است. هرگونه تجزیه و تحلیل در مورد هر منطقه نشان می‌دهد که فقط کشورهای آن منطقه نیستند که به ایفای نقش می‌پردازند بلکه در یک نظام بین‌المللی که دارای سلسله مراتب در مورد کشورها است، دولت‌های خارج از منطقه نیز خود را در سیاست بین‌الملل مناطق دیگر درگیر می‌کنند (به نقل از رفیع و مظلومی، 1391).

2-3- مناطق آزاد تجاری- صنعتی

مناطق آزاد تجاری- صنعتی مناطقی هستند که کالا تولید می‌نمایند یا بدون پرداخت عوارض گمرکی، از طریق زمین، دریا و هوا به صادرات کالا می‌پردازند (کامران، 1381). امروزه کشورهای توسعه یافته و یا در حال توسعه، با توجه به ویژگی‌های مناطق آزاد تجاری- صنعتی برای دستیابی به اهدافی نظیر توسعه اقتصاد ملی، جذب سرمایه‌های خارجی، استفاده از مزیت نسبی، ایجاد فرصت‌های شغلی، تربیت نیروی انسانی، افزایش درآمدهای ناشی از فعالیت‌های خدماتی، افزایش بهره‌وری، افزایش همگرایی تجاری و تبدیل بخش‌های عقب‌مانده به قطب‌های توسعه، اقدام به ایجاد مناطق آزاد تجاری- صنعتی نموده‌اند.

نقش مناطق آزاد در رشد و توسعه کشورها به حدی می‌باشد که سازمان توسعه صنعتی ملل متحد¹ (یونیدو) مناطق آزاد را به عنوان محرکه‌ای در جهت تشویق صادرات صنعتی تلقی و تأسیس این مناطق را به عنوان وسیله‌ای برای تشویق توسعه صنعتی با هدف صدور کالا به عنوان انتخابی دیگر در مقابل سیاست‌های جایگزین واردات توصیه می‌کند (رکن- الدین افتخاری و همکاران، 1388). آنکتاد² معتقد است که ساختار فعلی تجارت جهانی به زیان کشورهای توسعه نیافته بوده و مناطق آزاد را از جمله ابزارهایی معرفی می‌نماید که می‌تواند موجب تغییر در این ساختار شود. سازمان تجارت جهانی³، ایجاد و توسعه مناطق

¹ United Nations Industrial Development Organization (UNIDO)

² UNCTAD

³ WTO

آزاد را راهکاری برای گسترش تجارت بین‌المللی و موجب افزایش توسعه می‌داند. بانک جهانی نیز در سال‌های اخیر در گزارش‌های متعددی به بررسی وضعیت این مناطق پرداخته و اعلام نموده است سرمایه‌گذاری انجام شده در این مناطق باید هماهنگ با بازده آنها باشد. دفتر بین‌المللی کار^۱ نیز در مجموع این مناطق را از نظر اشتغال‌زایی و کاهش نرخ بیکاری، مثبت و تأثیرگذار ارزیابی می‌کند.

لازم به ذکر است که اهداف اصلی ایجاد مناطق آزاد، کسب درآمد ارزی، ایجاد اشتغال، انتقال فناوری و جذب سرمایه‌گذاری خارجی، کسب درآمد ارزی و رشد و توسعه منطقه‌ای می‌باشد (موسایی و عزیزانی‌فر، ۱۳۸۷).

۳- پیشینه تحقیق

۳-۱- مطالعات خارجی

بهار و فروند^۲ (۲۰۱۱) در مطالعه خویش به توصیف عملکرد تجاری منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (MENA) در طول یک دوره ۱۵ ساله پرداخته‌اند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که منطقه منا در صادرات خویش به مناطق دیگر تنها از یک سوم توانایی‌های بالقوه صادراتی استفاده نموده است. بر اساس نتایج این مطالعه اگر چه صادرات منطقه منا با سرعتی بالاتر از صادرات سایر نقاط جهان در حال گسترش بوده است، با این وجود، رسیدن کشورهای منا به سطح تجارت بالقوه خود حدود ۲۰ سال طول خواهد کشید. به طوری که موافقت‌نامه‌های تجاری کشورهای منا تأثیری در افزایش و گسترش تجارت منطقه‌ای نداشته است. در نهایت نویسندگان تجارت درون صنعتی را به عنوان یکی از ویژگی‌های رشد تجارت جهانی معرفی نموده و اشاره می‌نمایند که آسیای شرقی و اروپا، هم در سطح جهانی و هم در سطح منطقه‌ای، تجارت درون‌صنعتی بالا و رو به رشدی داشته‌اند. به طوری که بازتاب این امر در افزایش تجارت کالاهای متمایز و گسترش زنجیره تامین نمود یافته است.

کاور و نندا^۳ (۲۰۱۰) به بررسی صادرات هند به کشورهای SAARC در دوره زمانی ۱۹۸۱-۲۰۰۵ با استفاده از مدل جاذبه (با روش داده‌های تابلویی) پرداخته‌اند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که همگرایی این کشور با کشورهای SAARC باعث افزایش پتانسیل صادرات بین آنها می‌شود.

^۱ IBRD

^۲ Behar and Freund

^۳ Kaur and Nanda

بوگنامی^۱ (۲۰۰۸) به بررسی ظرفیت تجاری کشورهای شورای همکاری خلیج فارس (GCC)^۲ در چارچوب ترتیبات تجاری ترجیحی در منطقه خاورمیانه و کشورهای شمال آفریقا (MENA)^۳ پرداخته است. برای این منظور وی با استفاده از مدل تجاری جاذبه (داده‌های مقطعی و سری زمانی)، تجارت دوجانبه کشورهای منا با شرکای تجاری اصلی را برآورد نموده است. نتایج این مطالعه بیانگر این است که تجارت درونی GCC به ظرفیت کامل خود نزدیک است. وی اضافه می‌نماید که تاثیرگذاری اتحادیه گمرکی منعقد شده در افزایش فرصت‌های تجاری همانند حذف تعرفه و موانع غیر تعرفه‌ای خواهد بود.

کرر^۴ (۲۰۰۶) در مطالعه خویش با استفاده از مدل جاذبه (روش داده‌های تابلویی) به ارزیابی موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای مربوط به ۱۳ کشور در سال‌های ۱۹۹۶-۱۹۶۲ پرداخته است براساس نتایج به دست آمده از این مطالعه توافق‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای باعث افزایش تجارت بین اعضای بلوک می‌گردد.

کاریلو و لی^۵ (۲۰۰۲) برای بررسی اثرات اتحادیه اندین و مرکوسر^۶ بر تجارت بین منطقه‌ای در دوره زمانی ۱۹۸۰-۱۹۹۷ از الگوی جاذبه (داده‌های تابلویی) استفاده نموده و نشان داده‌اند که ترتیبات تجاری ترجیحی اتحادیه اندین، تأثیر معنی‌داری بر روی محصولات همگن متمایز و به خصوص محصولات سرمایه‌بر داشته است. ایشان همچنین در مورد ترتیبات تجاری ترجیحی مرکوسر بیان می‌نمایند که توافق مذکور تأثیر مثبتی بر روی محصولات سرمایه‌بر داشته است.

گیلبرت و همکاران^۷ (۲۰۰۱) در مطالعه خویش به بررسی آثار منطقه‌گرایی و یکپارچگی در منطقه آسیا-پاسفیک^۸ با استفاده از دو روش الگوی جاذبه و CGE^۹ و طی سال‌های ۱۹۸۴-۱۹۹۸ پرداخته‌اند. ایشان با در نظر گرفتن توافقات تجاری منطقه‌ای متفاوتی مانند آپک و مرکوسر و اثرگذاری هر یک از آنها، به این نتیجه رسیده‌اند که رفاه قابل توجهی

^۱ Boughanmi

^۲ Gulf Cooperation Council

^۳ Middle East and North Africa

^۴ Carrere

^۵ Carrillo and Li

^۶ Andean and Mercosur

^۷ Gilber & et. al

^۸ Asia Pacific

^۹ Computable general equilibrium

می‌تواند همراه با توافقات تجاری منطقه‌ای پیشنهاد شده در منطقه آسیا-پاسفیک حاصل شود.

3-2- مطالعات داخلی

عابدین مقانکی و کمالی اردکانی (1384) به بررسی پیامدهای برقراری ترتیبات تجاری ترجیحی در غرب آسیا بر بخش خارجی ایران پرداخته و پیش‌بینی نموده‌اند که کاهش تعرفه‌های متقابل میان ایران و کشورهای سوریه، عربستان سعودی، کویت، لبنان و یمن تراز تجاری را به نفع ایران بهبود بخشیده و در مورد کشورهای امارات متحده عربی، بحرین، عمان و قطر تراز تجاری ایران را کاهش خواهد داد.

محرابی (1386) به بررسی اثرات ایجاد موافقتنامه ترتیبات تجاری ترجیحی بین ایران و کشورهای آسیای مرکزی پرداخته و به این نتیجه رسیده است که ایجاد موافقتنامه‌های مذکور باعث گسترش حجم مبادلات تجاری ایران گشته و به دلیل افزایش بیشتر واردات نسبت به صادرات، کسری تراز تجاری ایران افزایش می‌یابد. به عقیده نویسنده به منظور دریافت امتیازات تعرفه‌ای در مذاکرات، باید کالاهایی مد نظر قرار گیرد که بیشترین ایجاد تجارت و کمترین ایجاد انحراف تجارت در کشورهای آسیای مرکزی برای ایران را دارند. همچنین در این مطالعه فهرستی از کالاهایی که منجر به بیشترین آثار ایجاد تجارت و کالاهایی که بیشترین آثار انحراف تجارت را در کشورهای منطقه برای ایران دارند، استخراج گردیده است.

علاوه بر موارد فوق، مطالعات متعددی در مورد برآورد پتانسیل تجاری ایران و بررسی ظرفیت‌های بالقوه صادراتی و وارداتی ایران با کشورهای مختلف صورت گرفته است. از جمله این مطالعات می‌توان به مطالعات زیر اشاره نمود.

رحمانی و عابدین مقانکی (1384) به بررسی امکان توسعه صادرات ایران با شرکای تجاری منتخب از طریق اندازه‌گیری درجه اکمال تجاری^۱ با استفاده از معیار کسینوس^۲ پرداخته و به شناسایی کشورهایی که بیشترین امکان توسعه صادرات با آنها وجود دارد، اقدام نموده‌اند. نتایج این مطالعه حاکی از آن است که بیشترین امکان توسعه صادرات از میان شرکای تجاری مورد بررسی با کشور هند فراهم می‌باشد. همچنین کشورهای ژاپن، کره جنوبی و

^۱ معیاری که میزان تشابه و مکمل بودن تجارت دو جانبه را مورد بررسی قرار می‌دهد.

^۲ مراجعه شود به بخش 42 مطالعه حاضر

تایلند دیگر شرکای تجاری هستند که می‌توانند برای گسترش صادرات ایران مورد توجه قرار گیرند.

حسینی و پرمه (1388) به ارزیابی و برآورد ظرفیت تجاری کالایی دوجانبه ایران با کشورهای عضو اتحادیه اروپا با استفاده از چهار شاخص درایسدل، کسینوس، پتانسیل تجاری^۱ و مزیت نسبی آشکارشده^۲ پرداخته و نشان داده‌اند که بیشترین ظرفیت صادراتی ایران به کشور آلمان و بالاترین درصد عدم استفاده از ظرفیت صادراتی ایران در بین اعضای اتحادیه اروپا مربوط به کشور انگلستان می‌باشد. همچنین محاسبه شاخص درایسدل در جریان مبادلات تجاری ایران با اعضای اتحادیه اروپا حاکی از آن بوده است که ایتالیا دارای بالاترین درجه اکمال تجاری با ایران و در مقابل استونی دارای کمترین اکمال تجاری با ایران بوده است.

همچنین تحقیقاتی نیز در مورد مناطق آزاد تجاری- صنعتی و وضعیت آنها در ایران انجام شده است. از جمله این مطالعات می‌توان به مطالعه کامران اشاره نمود. کامران (1381) به علل توسعه نیافتگی مناطق آزاد در ایران پرداخته و ضمن اشاره به ضوابطی در زمینه مکان- یابی این مناطق، مناطق جدیدی را جهت احداث مناطق آزاد تجاری معرفی نموده است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد جزایر و بنادری که دارای امکانات طبیعی به منظور ایجاد تأسیسات فرودگاهی باشند در اولویت قرار دارند. موضوع حائز اهمیت این است که سرمایه- گذاری باید در جهت تأسیسات غیرقابل انتقال صرف شده و ایجاد تأسیسات بندری، انبارها، امکانات تخلیه و بارگیری کالا به نحوی که دارای حداقل هزینه باشد، دارای اهمیت بیشتری می‌باشند.

بنابراین می‌توان بیان نمود که برآورد پتانسیل تجاری یکی از روش‌های اصلی در مطالعات امکان‌سنجی توسعه صادرات کشورها می‌باشد. اما در هیچ یک از مطالعات صورت گرفته در ایران، چنین مطالعه‌ای در خصوص مناطق آزاد کشور صورت نگرفته و مطالعات معدودی تنها به مطالعه ظرفیت‌های صادراتی کشور با برخی کشورهای دیگر پرداخته شده است. طبق بررسی‌های صورت گرفته در مورد منطقه آزاد تجاری- صنعتی ارس هیچ‌گونه مطالعه- ای صورت نگرفته و به نظر می‌رسد این حوزه از جمله حوزه‌هایی می‌باشد که توجه کافی

^۱ میزان تجارتی که کشورها می‌توانند به صورت بالقوه با یکدیگر داشته باشند.

^۲ مزیت نسبی آشکار شده یکی از روش‌های محاسبه درجه اکمال تجاری به شمار می‌آید.

تاکنون به آن نگردیده است. همچنین مطالعاتی که به برآورد پتانسیل تجاری ایران با مجموعه‌ای از کشورهای دیگر پرداخته‌اند نیز بسیار محدود بوده و تنها به بررسی پتانسیل تجاری ایران با کشورهای $D-8^1$ و کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی اکتفا شده است. بنابراین با توجه به اهمیت مطالب پیش‌گفته، در این مطالعه سعی شده است با برآورد پتانسیل تجاری منطقه آزاد تجاری- صنعتی ارس با کشورهای حوزه CIS، چین و ترکیه امکان گسترش مبادلات تجاری با این کشورها ارزیابی شده و از طرفی با بررسی درجه اکمال تجاری با هر یک از کشورهای منتخب، امکان توسعه صادرات با این کشورها از طریق منطقه آزاد تجاری- صنعتی ارس مورد ارزیابی قرار گیرد.

4- روش انجام تحقیق

در این مطالعه ابتدا با استفاده از معیار کسینوس، درجه مشابهت تجاری (درجه اکمال تجاری) با هر یک از کشورهای حوزه CIS و همچنین کشورهای چین و ترکیه استخراج شده و صنایع مکمل شناسایی می‌گردد. سپس ظرفیت تجاری منطقه آزاد تجاری- صنعتی ارس با هر یک از کشورهای هدف برآورد می‌شود.

4-1- برآورد ظرفیت تجاری

ظرفیت تجاری در حقیقت میزان تجارتی است که کشورها به صورت بالقوه می‌توانند با توجه به عوامل تعیین کننده جریان تجارت با یکدیگر داشته باشند. به طور کلی روش‌های برآورد ظرفیت تجاری به سه دسته کلی تقسیم‌بندی می‌شوند:

۱. برآورد ظرفیت تجاری با استفاده از روش برآورد ساده

2. برآورد ظرفیت تجاری با استفاده از آزمون‌های مشابهت و اکمال تجاری.

۳. برآورد ظرفیت تجاری با استفاده از مدل‌های جاذبه.

در این تحقیق جهت برآورد ظرفیت صادراتی و وارداتی منطقه آزاد تجاری- صنعتی ارس با کشورهای مورد بررسی، از روش برآورد ساده ظرفیت تجاری استفاده خواهد شد.² در روش

¹ «گروه D8» یا گروه «هشت کشور مسلمان در حال توسعه» که اندونزی، ایران، بنگلادش، پاکستان، ترکیه، مالزی، مصر و نیجریه در آن عضویت دارند، از جمله پیمان‌های منطقه‌ای است که به منظور ایجاد روابط مستحکم اقتصادی بین کشورهای در حال توسعه اسلامی و تقویت نفوذ این کشورها در بازارهای جهانی و برقراری گفت‌وگو با هفت کشور صنعتی تشکیل گردیده است.

² روش ساده برآورد پتانسیل، روش مناسبی برای تحقیق حاضر قلمداد می‌شود؛ چرا که در این روش کالاهای پتانسیل- دار معین شده و رقم کل پتانسیل نیز تعیین می‌شود.

برآورد ساده ظرفیت تجاری (به عنوان مثال صادرات) بین دو کشور، کل صادرات کشور ایران به تفکیک اقلام گروه‌های کالایی و همچنین کل واردات کشور مفروض برای همان اقلام یا گروه‌های کالایی استخراج شده و کمینه این دو مقدار، بیانگر حداکثر ظرفیت صادراتی ایران به کشور مورد نظر خواهد بود.

به منظور محاسبه ظرفیت صادراتی، ابتدا ارزش صادرات منطقه آزاد ارس به کل کشورهای جهان بر اساس کدهای کالایی برای یک دوره زمانی خاص و ارزش واردات منطقه از کل کشورهای جهان بر اساس همان کدهای کالایی و برای همان دوره زمانی استخراج می‌گردد. با کسر ارزش واردات منطقه در مورد هر کد کالا از ارزش صادرات همان کد کالا، کدهای کالایی را که منطقه در آن صادر کننده خالص می‌باشد، معین می‌شود:

$$NX_{iwt}^A = X_{iwt}^A - M_{iwt}^A > 0 \quad (1)$$

که در آن NX_{iwt}^A صادرات خالص منطقه از کد کالای i به جهان در دوره زمانی t ، X_{iwt}^A صادرات منطقه از کد کالای i به جهان در دوره زمانی t و M_{iwt}^A واردات منطقه از کد کالای i از جهان در دوره زمانی t می‌باشد. از طرفی ارزش واردات خالص کشور هدف نیز بر اساس کدهای کالایی از جهان برای دوره زمانی مذکور نیز محاسبه می‌گردد. بدین منظور ارزش صادرات کشور B بر اساس کدهای کالایی به جهان در دوره زمانی مورد نظر از ارزش واردات همان کد کالایی کسر می‌گردد:

$$NM_{iwt}^B = M_{iwt}^B - X_{iwt}^B > 0 \quad (2)$$

که در آن، NM_{iwt}^B واردات خالص کشور B از کد کالای i از جهان در دوره زمانی t ، M_{iwt}^B واردات کشور B از کد کالای i از جهان در دوره زمانی t و X_{iwt}^B صادرات کشور B از کد کالای i به جهان در دوره زمانی t می‌باشد. پس از مشخص نمودن کدهای کالایی که منطقه در آن صادرکننده خالص و کشور هدف واردکننده خالص هستند، بر اساس حداقل رقم در مورد این دو پارامتر، حداکثر ظرفیت صادراتی منطقه به کشورهای مورد نظر مشخص می‌گردد.

$$\text{Min}(NX_{iwt}^A, NM_{iwt}^B) = i \text{ کالای } B \text{ از کشور } i \quad (3)$$

4-2- روش آزمون مشابهت و اکمال تجاری

در روش‌های آزمون مشابهت یا اکمال تجاری که از مقایسه بردار صادرات کشور با بردار واردات شریک تجاری بدست می‌آید، در حقیقت نشان داده می‌شود که تخصیص‌گرایی کشور

در صادرات، تا چه میزان تقاضای وارداتی شریک تجاری را تکمیل می‌نماید، از جمله مهمترین روش‌های محاسبه درجه اکمال تجاری می‌توان به معیار «کسینوس»^۱، شاخص «مزیت نسبی آشکار شده»^۲، شاخص «گروبل- لوید»^۳، شاخص «فینگر- کرنین»^۴ و روش «ویکس- سوباست»^۵ اشاره نمود.

در این تحقیق به منظور مشخص نمودن بخش‌های مکمل بین ایران و کشورهای هدف، از معیار کسینوس که یکی از رایج‌ترین روش‌های محاسبه شدت تشابه تجاری یا درجه اکمال تجاری است، استفاده شده است. در این مدل جهت برآورد درجه اکمال تجاری، آمار ارزش صادرات (واردات) ایران از طریق منطقه آزاد تجاری- صنعتی ارس به (از) کشورهای استخراج شده و از ^۶ISTC^۶منتخب، برای گروه‌های کالایی مختلف بر اساس کدهای ۳ رقمی طریق رابطه زیر کسینوس زاویه بردار صادرات و واردات بین دو کشور محاسبه می‌گردد:

$$\cos(X_{ik}, M_{jk}) = \frac{\sum X_{ik} \cdot M_{jk}}{(\sum X_{ik}^2 \cdot \sum M_{jk}^2)^{1/2}} \quad (4)$$

که در آن، X_{ik} صادرات کالای k از کشور i جهان، و M_{jk} واردات کالای k به کشور j از جهان می‌باشد. در این رابطه زاویه کوچک نشان دهنده تشابه صادرات کشور i و واردات کشور j و زاویه بزرگتر نشان دهنده غیرمشابه بودن ترکیب صادرات کشور i با واردات کشور j است. با توجه به رابطه فوق، روشن است که معیار کسینوس بین مقادیر صفر و یک قرار خواهد گرفت. اگر ترکیب کالاهای صادراتی و وارداتی دو کشور کاملاً مشابه هم باشد، کسینوس زاویه بین دو بردار یک خواهد بود که بیانگر درجه کامل تجاری بین دو کشور، و به عکس اگر ترکیب کالاهای صادراتی و وارداتی دو کشور کاملاً غیرمشابه باشند، کسینوس زاویه بین دو بردار صفر خواهد بود که بیانگر درجه اکمال تجاری صفر بین دو کشور می‌باشد.

۵- اطلاعات تجاری و اقتصادی کشورهای حوزه CIS، چین و ترکیه

طبق آمار منتشره سازمان توسعه تجارت ایران در مورد حجم مبادلات بازرگانی ایران با سایر کشورها در سال ۲۰۱۰، مجموع روابط تجاری کشورهای حوزه CIS با ایران در این سال برابر ۲/۷۶ میلیارد دلار می‌باشد که مجموعاً ۱/۶۶ درصد از کل تجارت بین‌المللی ایران را به

^۱ Cosine

^۲ Revealed Comparative Advantage (RCA)

^۳ Grubel-Lloyd index

^۴ Finger and Kreinin

^۵ WeeksSubasat

^۶ International Standard Trade Classification

خود اختصاص داده است. با دقت در آمار و ارقام جدول 1 مشاهده می‌شود که حجم تجارت مجموعه کشورهای حوزه CIS با ایران، کمتر از مبادلات بازرگانی ایران با کشور ترکیه (با حدود 3/3 میلیارد دلار حجم روابط تجاری) بوده است. همچنین کشور چین در سال 2010، حدود 3/7 برابر مجموع روابط تجاری ایران با کشورهای این حوزه، مبادله بازرگانی با کشور داشته و تقریباً 6 درصد از کل تجارت خارجی ایران را به خود اختصاص داده است. از حیث حجم روابط تجاری با ایران، در میان کشورهای حوزه CIS، کشور روسیه با 812 میلیون دلار در رتبه نخست قرار داشته و حدود 0/42 درصد از روابط تجاری ایران را به خود اختصاص داده است. پس از آن کشورهای ترکمنستان، آذربایجان و تاجیکستان، با 522، 521 و 214 میلیون دلار به ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار دارند. این رتبه‌بندی، بیانگر این است که قوت روابط تجاری ایران در کشورهای مورد بررسی، با کشورهایی است که روابط سیاسی مناسب و پایدارتری با کشور دارند. بر این اساس می‌توان گفت تقویت روابط سیاسی با کشورهای توانمند و دارای اقتصاد بزرگتر در حوزه مورد مطالعه، از اهمیت به‌سزایی برخوردار است.

لازم به ذکر است که حجم کل تجارت ایران از تجارت 544 میلیارد دلاری کشورهای حوزه CIS در سال 2010 تنها 2/7 میلیارد دلار بوده، که سهمی معادل 0/5 درصد می‌باشد. همچنین سهم ایران از مجموع روابط تجاری 3/8 تریلیون دلاری کشورهای مورد بررسی تنها 16 میلیارد دلار یعنی در حدود 0/42 درصد می‌باشد. بالاترین سهم متعلق به ایران از تجارت خارجی کشورهای مورد نظر مربوط به ترکمنستان با 8/16 درصد، و کمترین مربوط به کشور مولداوی با 0/01 درصد است.

بر این اساس، سهم تجارت ایران و بویژه منطقه آزاد تجاری- صنعتی ارس از مبادلات تجاری با کشورهای این حوزه بسیار ناچیز بوده و قابل مقایسه با توان بالقوه و حتی بالفعل تجاری کشور و منطقه آزاد ارس نمی‌باشد. به طوری که حجم روابط تجاری 3/8 تریلیون دلاری کشورهای حوزه CIS و چین و ترکیه با جهان در سال 2010 نشان می‌دهد، در صورت توجه کافی به گسترش روابط با این کشورها می‌توان حجم بسیار مناسبی از تجارت را برای کشور میسر نموده و از این طریق منافع بسیاری را برای کشور در راستای رشد و توسعه اقتصادی و منطقه‌ای فراهم آورد. توجه به امر همگرایی منطقه‌ای و تجاری و برقراری ترتیبات تجاری منطقه‌ای، کشور را در گسترش روابط و افزایش حجم مبادلات یاری خواهد نمود.

جدول (۱): حجم تجاری کشورهای مورد بررسی در سال ۲۰۱۰

ردیف	نام کشور	حجم تجارت با جهان (میلیون دلار)	حجم تجارت با ایران (میلیون دلار)	سهم از تجارت ایران (درصد)	سهم ایران از تجارت کشور مورد نظر (درصد)
۱	چین	۲,۹۷۰,۰۰۰	۱۰,۲۷۴	۶/۲۱	۰/۳۴
۲	ترکیه	۲۹۵,۰۰۰	۳,۱۳۵	۲	۱/۰۶
۳	روسیه	۴۴۰,۴۰۰	۸۱۲	۰/۴۹	۰/۱۸
۴	ترکمنستان	۶,۴۰۰	۵۲۲	۰/۳۱	۸/۱۶
۵	آذربایجان	۲۷,۹۰۰	۵۲۱	۰/۳۱	۱/۸۷
۶	تاجیکستان	۳,۶۸۰	۲۱۴	۰/۱۲	۵/۸۲
۷	قزاقستان	۸۱,۰۰۰	۲۰۵/۸	۰/۱۲	۰/۲۵
۸	ازبکستان	۱۲,۰۰۰	۱۶۵	۰/۰۹	۱/۳۸
۹	ارمنستان	۴,۷۸۰	۱۵۵/۴	۰/۰۹	۳/۲۵
۱۰	گرجستان	۷,۱۰۰	۶۹	۰/۰۴	۰/۹۷
۱۱	بلاروس	۶۰,۰۰۰	۵۳	۰/۰۳	۰/۰۹
۱۲	قرقیزستان	۳,۷۰۰	۴۳	۰/۰۲	۱/۱۶
۱۳	مولداوی	۵,۵۰۰	۰/۵۷	۰/۰۰۰۳	۰/۰۱
کشورهای حوزه CIS		۵۴۴,۱۰۰	۲,۷۶۱/۳۷	۱/۶۶	۰/۵
کل کشورهای مورد بررسی		۳,۸۰۹,۱۰۰	۱۶,۱۷۰/۳۷	۹/۸۷	۰/۴۲
جهان		-	۱۶۵,۵۰۰	۱۰۰	۱۰۰

منبع: www.tpo.ir

۶- وضعیت صادرات و واردات منطقه آزاد تجاری - صنعتی ارس

نگاهی اجمالی به وضعیت تجارت انجام شده از طریق منطقه آزاد تجاری-صنعتی ارس نشان می‌دهد که صادرات منطقه در طول دوره ۶ ساله از سال ۱۳۸۵ تا سال ۱۳۹۰ از نظر ارزش به میزان ۲۶/۴ درصد رشد داشته است. در مقابل، واردات منطقه در همین مدت از نظر ارزش ۱۴۳/۶ درصد افزایش یافته است. این ارقام نشان از تغییر بسیار زیاد واردات نسبت به صادرات می‌باشد که در نهایت منجر به افزایش سهم واردات از کل تجارت منطقه ارس در طی سال‌های اخیر شده است.

جدول (2): ارزش تجارت صورت گرفته از طریق منطقه آزاد تجاری صنعتی ارس در سال‌های 385 تا 1390 (میلیون دلار)

ردیف	سال	واردات	صادرات	حجم تجارت	تغییر حجم تجارت نسبت به سال قبل (درصد)
1	385	193/2	86/6	279/8	-
2	1386	298	73/2	371/2	32/6%
3	1387	352/6	57/7	410/3	10/5%
4	1388	369/6	56/4	426	3/8%
5	1389	372	95/1	467/1	9/6%
6	1390	470/8	109/5	580/3	24/2%

منبع: www.tpo.ir

طی سال‌های 1385 تا 1387، صادرات منطقه طی دو سال گذشته رشد نسبتاً بالایی را تجربه کرده و از سال 1388 تا 1390 این رقم نیز در حدود 96/5 درصد افزایش یافته است. به طوری که حجم تجارت انجام شده از طریق منطقه آزاد ارس در طول این دوره 6 ساله در حدود 107/4 درصد رشد یافته است.

6-1- جایگاه تجاری منطقه آزاد ارس

6-1-1- جایگاه تجاری منطقه در کشور

همان گونه که اعداد و ارقام جدول 3 نشان می‌دهد، سهم صادرات و واردات منطقه از تجارت کشور طی سال‌های 1385 تا 1390 به ترتیب کاهش و افزایش یافته است. به طوری که در طی این مدت، سهم واردات منطقه از کل واردات کشور از 0/46 درصد به 0/76 درصد افزایش (در حدود 0/3 درصد) و در مقابل سهم صادرات منطقه از کل صادرات کشور (بدون احتساب میعانات گازی) با کاهش 0/34 درصدی، از 0/67 درصد به 0/32 درصد تغییر یافته است. بدین ترتیب مجموع سهم تجارت منطقه آزاد ارس از کل تجارت کشور طی سال‌های 1385 تا 1390 تقریباً باثبات بوده و بین 0/5 تا 0/6 درصد در حال نوسان بوده است.

جدول (۳): سهم ارزش تجارت منطقه آزاد تجاری- صنعتی ارس در سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ در تجارت کشور (میلیون دلار)

سال	کشور			منطقه آزاد ارس		
	واردات	صادرات (بدون احتساب میعانات گازی)	حجم تجارت	واردات	صادرات	سهم در کشور (درصد)
۱۳۸۵	۴۱.۷۰۰	۱۳.۰۰۰	۵۴.۷۰۰	۱۹۳/۲	۸۶/۶	۰/۵۱٪
۱۳۸۶	۴۸.۳۰۰	۱۵.۳۰۰	۶۳.۶۰۰	۲۹۸	۷۳/۲	۰/۵۸٪
۱۳۸۷	۵۶.۰۰۰	۱۸.۴۰۰	۷۴.۴۰۰	۳۵۲/۶	۵۷/۷	۰/۵۵٪
۱۳۸۸	۵۵.۲۰۰	۲۱.۳۰۰	۷۶.۵۰۰	۳۶۹/۶	۵۶/۴	۰/۵۶٪
۱۳۸۹	۶۴.۴۰۰	۲۶.۶۰۰	۹۱.۰۰۰	۳۷۲	۹۵/۱	۰/۵۱٪
۱۳۹۰	۶۱.۷۰۰	۳۳.۸۰۰	۹۵.۵۰۰	۴۷۰/۸	۱۰۹/۵	۰/۶۱٪

منبع: www.tpo.ir

۶-۱-۲- میزان صادرات و واردات منطقه آزاد ارس به تفکیک کشورهای مورد بررسی

در سال ۲۰۱۱ منطقه آزاد ارس با بیش از ۴۶ کشور جهان روابط تجاری با ارزش تقریبی ۵۳۶ میلیون دلار داشته و از میان کشورهای مورد بررسی، تنها با ۱۰ کشور مبادله تجاری داشته و هیچ‌گونه رابطه تجاری با کشورهای بلاروس، تاجیکستان و مولداوی نداشته است.

بالاترین حجم تجارت منطقه در سال ۲۰۱۱ مربوط به کشور ترکیه می‌باشد که در حدود ۴۳ درصد از کل مبادلات منطقه را شامل می‌شود. پس از آن کشور چین با حدود ۸۴ میلیون دلار حجم تجارت قرار دارد. همچنین مجموع تجارت منطقه آزاد ارس با کشورهای حوزه CIS در سال ۲۰۱۱ معادل ۷۱,۸۳۵,۹۴۱ دلار بوده است. دقت در این ارقام نشان می‌دهد که مجموعه کشورهای حوزه CIS در سال ۲۰۱۱ سهم کمتری نسبت به کشورهای چین و ترکیه در تجارت منطقه داشته‌اند، به‌طوری که کشور ترکیه به تنهایی ۳/۲ برابر و کشور چین در حدود ۱/۲ برابر کل کشورهای این حوزه با منطقه روابط تجاری داشته‌اند. در میان کشورهای حوزه CIS نیز کشور ارمنستان با تجارت تقریبی ۳۹ میلیون دلاری در جایگاه نخست تجارت با منطقه آزاد تجاری- صنعتی ارس قرار دارد.

همچنین بر اساس آمار و اطلاعات گمرک جمهوری اسلامی ایران، در سال 2011 از میان کشورهای مورد بررسی، منطقه آزاد تجاری- صنعتی ارس از چهار کشور ازبکستان، قرقیزستان، قزاقستان و جمهوری خلق چین صرفاً واردکننده بوده و هیچ‌گونه صادراتی از طریق منطقه به کشورهای مذکور صورت نگرفته است.

جدول (4): فهرست کشورهای منتخب و ارزش تجارت هر یک با منطقه آزاد ارس در سال 2011 (دلار)

ردیف	کشور	صادرات	واردات	حجم تجارت	تراز تجاری	سهم از کل تجارت منطقه (درصد)
1	آذربایجان	19,252,201	۱,004,514	20,256,715	18,250,687	3/7%
2	ارمنستان	31,447,179	۷,835,449	39,282,828	2۳,611,730	7/3%
3	ازبکستان	0	39,284	39,284	-39,284	0/0%
4	ترکمنستان	84,541	15,075	99,616	69,466	0/01%
5	روسیه	۷,663	۸,006,875	۸,014,538	-۷,999,212	1/5%
6	قرقیزستان	0	۲,48,875	۲,48,875	-۲,48,875	۰/5%
7	قزاقستان	0	538,095	538,095	-538,095	0/1%
8	گرجستان	۳,003,323	601,542	۳,604,865	۲,401,781	0/7%
9	ترکیه	۱,246,470	231,134,692	232,381,162	-229,888,222	43/3%
10	چین	0	84,111,092	84,111,092	-84,111,092	15/7%

منبع: گمرک ج. ۱۱

7- تجزیه و تحلیل یافته‌ها

7-1- برآورد کلی ظرفیت تجاری

همان‌گونه که قبلاً بیان گردید، هدف از انجام مطالعه ارائه فهرستی از کالاهایی می‌باشد که دارای پتانسیل تجاری بالایی (اعم از ظرفیت صادراتی و وارداتی) هستند. بر اساس محاسبات مطالعه حاضر می‌توان به طور خلاصه عنوان نمود که حداکثر ظرفیت صادراتی منطقه مربوط به کالای نفت و روغن‌های حاصل از مواد معدنی قیری غیر خام با کد چهار رقمی 2710 و

ارزش صادراتی 22/2 میلیون دلار به کشورهای ارمنستان، گرجستان، قرقیزستان، چین و ترکیه می‌باشد. در مقابل حداکثر ظرفیت وارداتی منطقه مربوط به کالای تخته فیبری از چوب یا از سایر مواد چوبی با کد کالای 2411 و ارزش وارداتی سالانه 102 میلیون دلار از کشور چین می‌باشد. همچنین در این بخش ظرفیت تجاری و ظرفیت کلی تجارت بالقوه منطقه، براساس رابطه (3)، به تفکیک هر کشور استخراج و با تجارت بالفعل و تحقق‌یافته مقایسه شده است. همان طور که بیان گردید، برای محاسبه ظرفیت صادراتی منطقه ارس به هر یک از کشورهای هدف، لازم است کد کالاهایی که منطقه در خصوص آن کدها، صادرکننده خالص بوده؛ معین و از بین این کدها، کدهایی گزینش شوند که حداقل یک کشور هدف، واردکننده خالص آن کد باشد. میزان عددی پتانسیل در مورد هر کد کالا، رقم حداقل در بین خالص صادرات منطقه ارس و واردات خالص هر یک از کشورهای هدف می‌باشد. با جمع کردن رقم‌های پتانسیل صادراتی منطقه ارس به کشورهای هدف در مورد کدهای مختلف کالایی، میزان کل پتانسیل صادراتی منطقه ارس به هر یک از کشورهای هدف تعیین می‌گردد. برای برآورد پتانسیل واردات نیز می‌توان روش فوق را مد نظر قرار داد تا نتایج مورد نظر بدست آید. نکته مهم در مورد جدول زیر این است که ارقام ذکر شده در ستون‌های ظرفیت (اعم از صادراتی، وارداتی و تجاری) میزان تجارت بالقوه بوده و حجم تجارت فعلی قابلیت افزایشی به میزان ارقام ذکر شده را دارد. براساس جدول شماره 5، بالاترین ظرفیت صادراتی منطقه ارس به ترکیه تعلق دارد. بعد از ترکیه، ارمنستان، گرجستان و قرقیزستان به ترتیب در رده‌های دوم تا چهارم قرار دارند. از طرف دیگر پایین‌ترین ظرفیت صادراتی منطقه ارس در میان کشورهای هدف مورد بررسی به میزان 18130436 دلار به ازبکستان و بالاترین پتانسیل وارداتی منطقه ارس از کشورهای هدف به میزان 295700611 دلار متعلق به کشور چین است. پس از چین، ترکیه، روسیه و بلاروس در رتبه‌های بعد قرار دارند. پایین‌ترین ظرفیت وارداتی منطقه ارس از کشورهای هدف نیز با 5437111 دلار به کشور آذربایجان تعلق دارد. همان‌گونه که در جدول 5 نشان داده شده است در مورد صادرات با تمام کشورهای هدف، ظرفیت بسیار قابل توجهی شناسایی گردیده و امکان بسیار مناسبی جهت رشد و توسعه مبادلات صادراتی به تمام شرکای تجاری منتخب، به ویژه در مورد کشورهایی که در سال 2011 هیچ‌گونه صادراتی از منطقه به آن‌ها انجام نگرفته است وجود دارد.

همچنین برآورد ظرفیت تجاری با مجموعه کشورهای حوزه CIS نشان می‌دهد که در مجموع با توجه به ظرفیت تجاری موجود، امکان گسترش مبادلات تا حدود 478 میلیون دلار وجود دارد. از طرفی پتانسیل تجاری منطقه آزاد ارس با مجموعه کشورهای بررسی شده در این گزارش بیش از یک میلیارد دلار برآورد گردیده است که با توجه به حجم فعلی تجارت منطقه با این کشورها (در حدود 320 میلیون دلار) نشان از ظرفیت بسیار استثنایی و فوق‌العاده بالای این منطقه جهت رشد و توسعه مبادلات تجاری کشور می‌باشد. بدین ترتیب توجه به این مهم و برنامه‌ریزی اصولی در ایجاد همگرایی اقتصادی و تجاری با کشورهای دارای پتانسیل تجاری بالا می‌تواند منطقه را در دستیابی به جایگاه مناسب در تجارت کشور و کمک به رشد و توسعه اقتصاد منطقه و در نتیجه شکوفایی اقتصاد کشور یاری رساند.

جدول (5): پتانسیل تجاری کلی منطقه به هر یک از کشورهای هدف (دلار)

کشور	صادرات	ظرفیت صادراتی	واردات	ظرفیت وارداتی	تجارت	ظرفیت تجاری
آذربایجان	19.25	23.25	1.00	5.44	20.26	28.69
ارمنستان	31.45	48.39	7.84	8.93	39.28	57.32
ازبکستان	0	18.13	0.04	17.67	0.04	35.80
بلاروس	-	22.28	-	39.34	-	61.62
ترکمنستان	0.08	18.74	0.02	1.95	0.10	20.69
روسیه	0.01	31.54	8.01	79.58	8.01	111.12
قرقیزستان	0	42.57	0.25	15.62	0.25	58.20
قزاقستان	0	25.43	0.54	24.85	0.54	50.27
گرجستان	3.00	48.16	0.60	6.16	3.60	54.32
ترکیه	1.25	48.65	231.13	145.18	232.38	193.83
چین	0	35.32	84.11	295.70	84.11	331.02

منبع: محاسبات تحقیق

7-2- درجه اکمال تجاری

همان‌گونه که بیان گردید، منظور از درجه اکمال تجاری، میزان مکمل بودن تجارت دو شریک تجاری و پوشش تجارت یکدیگر می‌باشد. بر اساس نتایج این تحقیق که در جدول شماره 6 ارائه شده است، مشاهده می‌گردد که بالاترین درجه اکمال صادرات منطقه ارس مربوط به گرجستان با درجه اکمال 0/89 می‌باشد. در مقابل، بلاروس با 0/30 درجه اکمال صادرات، دارای کمترین درجه اکمال صادرات منطقه می‌باشد. همچنین بالاترین درجه اکمال واردات منطقه مربوط به کشور چین با 0/72 مکمل بودن واردات و پایین‌ترین درجه اکمال واردات منطقه مربوط به ترکمنستان با 0/02 درجه اکمال واردات می‌باشد. لازم به ذکر است در محاسبات درجه اکمال تجاری منظور از پوشش دادن یا تکمیل تجارت، پوشش تعداد اقلام وارداتی یا صادراتی منطقه بوده و ارزش تجارت مد نظر نمی‌باشد.

جدول (6): درجه اکمال صادرات و واردات منطقه آزاد ارس در سال 2011

رتبه	کشور	درجه اکمال صادرات منطقه	رتبه	کشور	درجه اکمال واردات منطقه
1	گرجستان	0/89	1	چین	0/72
2	آذربایجان	0/87	2	ترکیه	0/27
3	قزاقستان	0/86	3	بلاروس	0/21
4	ارمنستان	0/85	4	قرقیزستان	0/08
5	ترکمنستان	0/84	5	روسیه	0/06
6	قرقیزستان	0/81	6	ازبکستان	0/05
7	روسیه	0/77	7	قزاقستان	0/03
8	ازبکستان	0/76	8	آذربایجان	0/03
9	ترکیه	0/53	9	ارمنستان	0/03
10	چین	0/34	10	گرجستان	0/03
11	بلاروس	0/30	11	ترکمنستان	0/20

منبع: محاسبات تحقیق

طبق نتایج جدول فوق که بر اساس رابطه (4) مطالعه حاضر (بخش 4-2) استخراج شده است، کشور گرجستان 89 درصد از صادرات منطقه را پوشش داده و در مقابل کشور جمهوری خلق چین 72 درصد از واردات منطقه را می‌تواند پوشش دهد؛ بنابراین گسترش تجارت با این کشورها آسان‌تر بوده و تجارت بر مبنای پتانسیل تجاری می‌تواند منجر به رشد و توسعه سریع‌تر مبادلات تجاری با این کشورها گردد.

8- جمع‌بندی

مناطق آزاد تجاری به عنوان تسهیل کننده امر تجارت در همگرایی اقتصادی نقش حائز اهمیتی را دارا می‌باشند. در این میان منطقه آزاد تجاری - صنعتی ارس به عنوان یکی از مهمترین مناطق آزاد تجاری- صنعتی کشور می‌تواند نقش بسیار کلیدی در همگرایی تجاری و منطقه‌ای ذکر شده و برقراری ترتیبات تجاری مؤثر در منطقه ایفا نماید. نزدیکی این منطقه با کشورهای مشترک‌المنافع مستقل یا کشورهای حوزه CIS و همچنین نزدیکی با کشور ترکیه به عنوان دروازه مبادلاتی اروپا، از جمله ویژگی‌های ژئوپولیتیکی مهم این منطقه می‌باشد، که می‌تواند موجبات رشد و توسعه مبادلات تجاری ایران را با این کشورها فراهم آورد. در این تحقیق چنین امکانی از طریق گسترش مبادلات تجاری بر اساس پتانسیل تجاری مورد بررسی قرار گرفت.

بررسی پتانسیل صادراتی و وارداتی کالاهای تجاری در مورد تمام کشورها نشان داد که بالاترین پتانسیل صادراتی مربوط به کالای نفت و روغن‌های حاصل از مواد معدنی قیری با ظرفیت بالقوه 22/2 میلیون دلار در سال و بالاترین پتانسیل وارداتی مربوط به کالای تخته فیبری از چوب یا از سایر مواد چوبی با ظرفیت بالقوه وارداتی سالانه 102 میلیون دلار می‌باشد.

از طرفی برآوردهای مربوط به پتانسیل تجاری کلی کشورهای مورد بررسی نشان داد که در مورد تمام کشورهای مورد بررسی ظرفیت بسیار مناسبی جهت توسعه تجارت، به ویژه در مورد صادرات وجود دارد.

بررسی پتانسیل تجاری با تجارت صورت گرفته در مورد اکثر کشورهای هدف، امکان توسعه مبادلات را تا حدود 10 برابر نشان می‌دهد. همچنین بالاترین پتانسیل و ظرفیت بالقوه جهت توسعه مبادلات مربوط به کشور چین با ظرفیت بالقوه 331 میلیون دلار در سال می‌باشد. این در حالی است که تجارت بالفعل صورت گرفته از طریق منطقه به این کشور در سال 2011 تنها در حدود 84 میلیون دلار می‌باشد.

فهرست منابع

1. حسینی، میرعبداله و پرمه، زورار. (1388). ارزیابی و برآورد ظرفیت تجاری کالایی دوجانبه ایران با کشورهای عضو اتحادیه اروپا، دانش و توسعه، شماره 28
2. رفیع، حسین و مظلومی، اسماعیل. (1391). موانع همگرایی ایران و ترکیه در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز، مطالعات اوراسیای مرکزی، سال پنجم، شماره 10، صص 79-98
3. عابدین مقانکی، محمدرضا و کمالی اردکانی، مسعود. (1384). پیامدهای برقراری ترتیبات تجاری در غرب آسیا بر بخش خارجی ایران، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره 37، صص 109-132.
4. علی‌پور، حمیدرضا و قدکچی، مریم. (1390). بررسی رابطه توسعه تجارت با رشد اقتصاد در ایران، کار و جامعه، شماره 141، صص 1-9
5. علی رازینی، ابراهیم و باستانی، علی‌رضا. (1383). مناطق آزاد و تعیین نقشی نوین برای آنها، معاونت برنامه‌ریزی و امور اقتصادی، دفتر مطالعات اقتصادی، صص 1-29
6. کامران، حسن. (1381). علل توسعه‌نیافتگی در مناطق آزاد ایران، تحقیقات جغرافیایی، شماره 65 و 66، صص 24-32
7. محرابی، لیلا. (1386). بررسی اثرات ایجاد یک موافقت‌نامه ترتیبات تجاری (PTA) بین ایران و کشورهای آسیای مرکزی، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره 44، صص 101-131
8. موسایی، میثم و عزیزانی‌فر، جمال. (1387). توجیه اقتصادی ایجاد منطقه آزاد تجاری در کردستان، بررسی‌های بازرگانی، شماره 32، صص 72-83

1. Behar, A. and Freund, C. (2011). The Trade Performance of the Middle East and North Africa, Middle East and North Africa Working Paper Series, No. 53
2. Boughanmi, H. (2008). The Trade Potential of the Arab Gulf Cooperation Countries (GCC): A Gravity Model Approach, Journal of Economic Integration, Vol. 23, No.1, pp. 42-56
3. Carrere, C. (2006). Revisiting the Effects of Regional Trade Agreements on Trade Flows with Proper Specification of the Gravity Model, European Economic Review 50, PP 223-247.

4. Carrillo C. and Li C. (2002). Trade Blocks and the Gravity Model: Evidence from Latin American Countries, *Journal of Economic Integration*, 19, 4, pp. 667-689
5. De Lombaerde, Philippe and Langenhove, Luk Van. (2005). Indicators of Regional Integration: Conceptual and Methodological Issues, IIS Discussion Paper; No. 64, available at: <http://www.cris.unu.edu>
6. Gilber, J., Scollay, R. and Bora, B. (2001). Assessing Regional Trading Arrangements in the Asia-Pacific, New York and Geneva, United Nations Conference on Trade.
7. Kaur, S. and Nanda, P. (2010). India's Export Potential to Other SAARC Countries: A Gravity Model Analysis, *Journal of Global Economy*, 6 (3), PP 167-184.
8. Lucas, R. (1998). On the Mechanisms of Economic Development, *Journal of Monetary Economics*, 22(1), 3-42.
9. Romer, P.M. (1986). Increasing Returns and Long-run Growth, *Journal of Political Economy*, 94(5), 1002-1037.